



A historical look at the concept of Mahdism and its role in the unity of Muslims

Dr. Talat Deh Pahlavaan ¹

Dr. Pourya Esmaili ²

Dr. Seyyed Mohammad Amin Hosseini ³

Abstract

Belief in the appearance of a savior and hope for a bright future under the shadow of security and peace and the elimination of oppressive rulers is a general belief that has always existed among different ethnicities and religions. Mahdism has been the focus of Muslim scholars since the first centuries of Islam, and valuable works have been compiled in this regard. Therefore, this issue has been analyzed by the Shiites who have a consistent belief about Mahdism, as well as Sunni scholars. Throughout history, people with the claim of Mahdism tried to rise up against despotic and corrupt governments by gathering loyal followers and thus achieve their goals. The purpose of this research is to answer the question, what effect did Mahdism thinking have on unity among Muslims over time? The resulting hypothesis is that the belief in Mahdism has always reduced the differences among Muslims and made them hope to unite with each other and overthrow the oppressors. This article describes and analyzes different aspects of the subject by using library sources. The findings of the research show that, in different periods of history, some people organized large-scale uprisings by spreading the idea of Mahdism and by weakening the authoritarian governments, they made them decline, thus, the abundant power of this thought combined with faith is revealed

Keywords: Promised Mahdi (AS), Muslimunity, repelling oppressors, claimants of Mahdism

-
1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran(Corresponding Author)(pahlavant65@gmail.com)
 2. (PhD) at the history of Islamic Iran, Lecturer in Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran(historian.p@gmail.com)
 3. PhD student, member of the honorary faculty of Islamic Civilization Research Center,qom, Iran (sm.amin5032@gmail.com)

نگاهی تاریخی به مفهوم مهدویت و نقش آن در همگرایی مسلمانان

طلعت ده پهلوان^۱

پوریا اسمعیلی^۲

سید محمدامین حسینی^۳

چکیده

عقیده به ظهور منجی و امید به یک آینده‌ای روشن در سایه‌ی امنیت و آرامش و دفع ظلم و از میان برداشتن حاکمان ستمگر یک باور عمومی است که همواره بین اقوام و مذاهب مختلف وجود داشته است. در دین اسلام نیز مباحث مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از قرون نخستین اسلامی تاکنون مورد توجه دانشمندان مسلمان بوده است و در این خصوص آثار ارزشمندی نیز تدوین شده است. بدین ترتیب، این مسئله توسط شیعیان که باور و اعتقاد منسجمی در مورد مهدویت دارند و همچنین عالمان اهل سنت و اکاوی گردیده است. در طول تاریخ نیز اشخاصی با ادعای مهدویت تلاش کردند تا با گردآوری پیروان وفادار بر علیه حکومت‌های مستبد و فاسد قیام کنند و بدین گونه، به اهداف خود برسند. هدف از انجام این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که تفکر مهدویت در گذر زمان چه تأثیری بر وحدت میان مسلمانان داشته است؟ فرضیه حاصله چنین است که اعتقاد به مهدویت همواره اختلافات را در بین مسلمین کاهش داده و آنان را به اتحاد با یکدیگر و سرنگونی ظالمان امیدوار کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای ابعاد مختلف موضوع را توصیف و تحلیل می‌نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، در ادوار مختلف تاریخ عده‌ای با اشاعه اندیشه مهدویت قیام‌های گسترده‌ای را سامان بخشیدند و با تضعیف حکومت‌های استبداد آنان را به انحطاط انداختند، بدین سان، قدرت وافر این تفکر توأم با ایمان آشکار می‌گردد.

واژگان کلیدی

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، اتحاد مسلمانان، دفع ظالمان، مدعیان مهدویت.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
(pahlavant65@gmail.com).

۲. مدرس گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (historian.p@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری؛ عضو هیئت علمی افتخاری مرکز پژوهشی تمدن اسلامی قم، قم، ایران (sm.amin5032@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

این مقاله با نگاهی تاریخی به مفهوم مهدویت و نقش آن در همگرایی و وحدت مسلمانان می‌پردازد. علت انتخاب این موضوع چنین است که اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول تاریخ همواره مایه‌ی آرامش و دلگرمی مردمان برای تحقق عدالت بوده است که تحت سلطه حاکمان مستبد بوده‌اند. از این رو، در ادوار مختلف ائمه بزرگوار اسلام مژده ظهور قائم آل محمد را دادند و در این خصوص احادیث و روایات متعددی را بیان نمودند. و یا عده‌ای هم از فضای نامطلوب جامعه و وضعیت نابه‌سامان امت اسلامی و بی‌کفایتی و استبداد خلفا و حاکمان بهره بردند و ادعای مهدویت کردند و یا افرادی را به عنوان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظر گرفتند و از طرف آنان به پا خاستند. مثلاً، اشخاصی بسان، محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) که در سال ۱۴۵ ق بر ضد منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ ق) خروج کرد و توسط وی سرکوب گردید. و یا ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن تومرت (م. ۵۲۴ ق) مهدویت خود را به قبایل تحمیل و بر علیه مرابطون در شمال آفریقا شورش کرد و در نهایت سلسله موحدون شکل گرفت. ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه هم توسط یارانش مهدی نامیده شد و یا عبیداله المهدی مؤسس فاطمیان نیز برای دستیابی به حکومت چنین ادعایی داشت. آنان از جبر و زور حاکمان زمان خویش بهره بردند تا با استفاده از مفهوم مهدویت به اهداف خود برسند. این در حالی است که اندیشه مهدوی‌گری هم چنان ادامه خواهد یافت و در هر زمانی می‌تواند به مردمان انگیزه دهد تا در تقابل با زمامداران فاسد و متکبر که مسیر جامعه اسلامی را به انحراف می‌کشند قیام کنند.

هدف از انجام این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که تفکر مهدویت در گذر زمان چه تأثیری بر وحدت میان مسلمانان داشته است؟ فرضیه حاصله چنین است که اعتقاد به مهدویت همواره اختلافات را در بین مسلمین کاهش داده و آنان را به اتحاد با یکدیگر و سرنگونی ظالمان امیدوار کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای ابعاد مختلف موضوع را توصیف و تحلیل می‌نماید.

پیشینه‌ی تحقیق

راجع به موضوع مهدویت تاکنون تحقیقات متعددی انجام گرفته است و اکثر محققان این حوزه به شکل تخصصی و گاهی اوقات با بینش تاریخی به مطالعه پرداخته‌اند و رویکردهای متفاوتی را هم در نظر گرفته‌اند، اما پژوهشگران به صورت ویژه و در قالب کاملاً تاریخی و با ذکر

مثال و همچنین تعمیم و تأثیرگذاری قیام‌های شیعی الهام گرفته از مهدویت در ازمنه کهن در پیدایش اتحاد مسلمانان معاصر آثار منسجمی را تألیف نکرده‌اند. مثلاً، حسین الهی‌نژاد (۱۳۹۹)، در کتاب «اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و موعودگرایی» تنها بحث همگرایی و وحدت را در حوزه مهدویت مطرح کرده است. قنبر امیرنژاد و محمدحسن محسن‌نسب (۱۳۸۷)، در مقاله‌ی «نقش اعتقاد به مهدویت در اتحاد ملی و انسجام اسلامی» مانند پژوهش قبلی مهدویت را در زمینه اتحاد میان جوامع اسلامی ذکر نموده است.

همچنین حسین الهی‌نژاد و فاطمه زهرا ستار (۱۴۰۰)، در مقاله‌ی «نقش انسجام و اتحاد مسلمانان در زمینه‌سازی ظهور با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی» پیرامون نقش و اثرگذاری اتحاد مسلمین در بسترسازی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه بر مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی به تحقیق پرداخته است. حسین الهی‌نژاد و سیدحامد شاه‌رخ (۱۳۹۷)، در مقاله‌ی «نقش مهدویت در وحدت و همگرایی جهان اسلام» مهدویت را به عنوان عامل وحدت ممالک اسلامی ذکر کرده است. حسن حضرتی و نفیسه فلاح‌پور (۱۳۸۸)، در مقاله‌ی «مقایسه اندیشه مهدویت شیعه اثنی‌عشری و نظریه پایان تاریخ فوکویاما» نیز تنها تفکر مهدویت را با نظریه پایان تاریخ فوکویا مقایسه نموده که با ماهیت مقاله حاضر تفاوت دارد. سایر آثار هم مهدویت را در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ادبی و غیره مورد بحث قرار داده‌اند که با رویکرد این تحقیق متفاوت است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع پژوهش، ضرورت دارد تا تحقیقی علمی و منسجم انجام شود تا بدین طریق، با دیدگاه و تجربه تاریخی مسئله مهدویت در ایجاد اتحاد در جوامع اسلامی واکاوی گردد.

گذری به مفهوم و فلسفه‌ی مهدویت

مهدویت در لغت مصدر جعلی است که از اضافه شدن یک اسم با «یت» ساخته شده (لغت - نامه دهخدا ذیل مهدویت: ۱۳۷۳)، و در اصطلاح برگرفته از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امام دوازدهم شیعیان است؛ یعنی اندیشه‌ای که بر محور آن امام همام و مباحث مربوط به آن است. در اصل، حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل و خلافت مؤمنان و فرهیختگان به رهبری یک فرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین جانشین و خلفای پیغمبر آخرالزمان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۱۹). بنابراین مهدویت به عنوان یک حقیقت و ضرورت اسلامی تلقی

محسوب می‌شود. یعنی این حوزه ساختاری معرفتی که نگاهی کلی به تبیین و دفاع از آموزه‌ها و مسائل درونی دین دارد.

به طور کلی، در شکوفایی و زوال تمدن‌ها و آنچه که باقی می‌ماند نیکی و پلیدی است. البته در موضوع مهدویت، وقتی به سراغ ادیان می‌رویم، مسئله منطقی و توجیه پذیر می‌شود. ادیان نه تنها به مصلح و منجی بشارت می‌دهند، بلکه او را هم معلوم می‌نمایند. با مراجعه به قرآن کریم، آیاتی را می‌توان یافت که در همه‌ی حوادث وارد شده و به این حقیقت پرداخته است. مثلاً ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وراثت (حکومت) زمین خواهند شد. پس اراده‌ی الهی در کنار اراده و حرکت مردم می‌تواند تعالی بخش مهدویت در عرصه جهانی باشد.

عقیده به ظهور موعود و منجی نهایی، جوهر فرجام‌شناسی ادیان ابراهیمی است. اوج این گونه نگرش در مکتب تشییع جلوه کرده است. نگاه تشیع به آینده از نوع دیگر است. در تشیع «فرج» مطرح است که تبیین بنیادهای نظری و زیر ساخت‌های فکری این مسئله، می‌تواند به فلسفه آن، تعبیر شود (امامی کاشانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰ به بعد).

فلسفه‌ی تاریخ از قواعد حاکم بر سرگذشت و سرنوشت بشر سخن می‌گوید، که در آن، ارزش داوری و خوشبینی و بدبینی دخیل نیست و فقط تحلیل سرگذشت بشر و تحلیل آینده تاریخ او مطرح است، اما در فلسفه فرج، سخن از تحلیل سرنوشت و سرانجام حیات و هستی است؛ یعنی ناظر به آینده حیات و هستی است. در این دیدگاه، طبیعت هم سرنوشت دیگری دارد، آن‌گاه که زیبایی‌هایی پس از وقوع فرج، وصف می‌شود، زمین برکت خود را سخاوت‌مندانه در اختیار اهل خود قرار خواهد داد و نبات و معاد نیز به گونه دیگر خواهند شد.

در فلسفه‌ی تاریخ فقط سرنوشت جمعی انسان‌ها مطرح است، اما در فلسفه‌ی فرج، همه‌ی افراد نیز مطرح هستند، سخن درباره رسیدن عقل آدمی به کمال است، روابط و مناسبات بشر با اطراف خود تغییر می‌کند، رابطه انسان با خدا و انسان‌ها با هم دیگر دگرگون می‌شود، رفتار و رابطه‌ی بشر با طبیعت تغییر می‌نماید، محیط زیست در امنیت خواهد بود و همه بخش‌های اطراف حیات در جهان خانه امن، سازگاری و تعامل خواهند داشت. فلسفه‌ی مهدویت، بر سلسله مبانی و مواضع معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی خاصی استوار است؛ به این مهم، جز تعدادی از اصحاب فکر و

فضل توجه نکرده‌اند و لذا گروهی به خطا رفته‌اند. استاد مطهری، هنگام اشاره به علوم تاریخ، مهدویت را در قالب فلسفه تاریخ تحلیل می‌کند، ولی فلسفه‌ی «مهدویت» و «انتظار» و «فرج» از قبیل تحلیلی، نقلی و فلسفه‌ی تاریخ نیست، بحث مهدویت چیزی فراتر از فلسفه تاریخ است، زیرا سخن از آینده هستی، حیات و دگرگونی مناسبات همه موجودات است (رشاد، ۱۳۸۱). از طرفی، فرهنگ مهدوی را می‌توان در قالب دو برداشت مهم ذکر کرد:

۱. فرهنگ مهدوی، فرهنگ آرمانی و اصیل است که در عصر ظهور، توسط مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه بر مبنای باورها و ارزش‌های حقیقی اسلام، در جامعه جهانی تحقق خواهد یافت؛ بنابراین یک فرهنگ دینی جهان‌شمول و آرمانی را شکل می‌بخشد.

۲. ذیل عنوان «فرهنگ انتظار» قابل ترسیم و بررسی است. چنین فرهنگی در عصر غیبت ایشان شکل می‌گیرد. این فرهنگ بر محور همان باورهای زیربنایی و با الگوبرداری از چشم‌انداز آرمانی «فرهنگ مهدوی» تحقق می‌یابد. با این وصف، منظور از «فرهنگ مهدوی»، نوع دوم آن بوده که در راستای رسیدن به فرهنگ آرمانی و اندیشه دفاعی مهدویت ترسیم شده است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۳).

نگاهی به مدعیان مهدویت در تاریخ ایران و اسلام

در ادیان مختلف همچون؛ مسیحیت، یهودیت و زرتشت و نیز در آئین مانویت و غیره به وجود منجی و اصلاح‌گر در آخر زمان اشاره شده است. مثلاً، مسیحیان به ظهور عیسی مسیح علیه السلام یا فارقلیط و یا یهودیت ماشیح که با ظهورش دادگاهی بر پا می‌کند و به قضاوت می‌نشیند و اعمال مردم را می‌سنجد (حبیبی‌نژاد و حیاتی، ۱۳۹۵: ۲۸)، اعتقاد دارند. و نیز پیروان زرتشت سوشیانس را سومین موعود خویش پس از اوشیدر و اوشیدرماه قلمداد می‌نمایند که در پایان جهان بدکاران را عقوبت خواهد کرد و نیایش به جای می‌آورد (آموزگار، ۱۳۸۷: ۸۶). در واقع، او را نجات‌دهنده و عدالت‌گستر می‌دانند که در متون مقدس زرتشتیان (اوستا و کتب روایی پهلوی) راجع به این منجی سخن وافر گفته شده است (پورداوود، ۱۳۷۴: ۲). مانی هم خود را فارقلیط که مسیح ظهور او را داده بود معرفی کرد. وی معتقد بود که در هر زمانی انبیاء حکمت و حقیقت را از جانب خدا به مردم عرضه نموده‌اند؛ گاهی در هندوستان توسط بودا و یا در ایران به واسطه زرتشت، زمانی در مغرب به وسیله عیسی، عاقبت من که مانی پیامبر بزرگ خدا هستم مأمور نشر حقایق در سرزمین بابل گشتم (کریستنسن، ۱۳۷۸: ۱۳۴). و نیز دین خود را منبعی شناخت برای آزاد کردن روح از

اسارت جسم و رسیدن به خدا می دانست (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۴۷).

در دوران اسلامی و پیدایش مذهب شیعه و مطابق با روایات و احادیث ائمه بزرگوار اسلام، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه هنگام پایان جهان ظهور می کند و ظالمان و فاسدان را به فرمان خداوند متعال نابود می سازد؛ ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و پیشوای بزرگ شیعیان به حساب می آید و در پایان دوره ی غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق)، غیبت کبری در جهت حفظ جان آن امام همام آغاز شده و تا زمانی که شرایط فراهم شود این غیبت به اذن پروردگار ادامه دارد (کلینی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ۴۳۱)، سپس با توجه به نشانه هایی که پدیدار می گردد^۱ جهان آماده قیامت می شود. بر همین اساس در روزگار خلافت امویان (۴۱-۳۲ ق) و عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ق)، تا دوران معاصر عده ای بر ضد حاکمان قیام کردند و خود را مهدی موعود نامیدند، تا بدین شکل طرفدار پیدا کنند و با در اختیار داشتن حامیان متعدد از اقشار مختلف جامعه جنبش اجتماعی وسیعی را تدارک بینند تا علاوه بر سرنگونی مستبدان خود زمام قدرت را تصاحب نمایند. در واقع، تفکر مهدویت باعث می شد تا به مشروعیت دینی و سیاسی دست یابند و این طور به اهداف خویش برسند. مثلاً، مختار ثقفی در جریان قیام بر ضد امویان در سال ۶۷ ق که با هدف خون خواهی و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام و یاران وی صورت گرفت با وجود این که امام سجاد علیه السلام در جنبش او شرکت نکرد اما محمد حنفیه پسر سوم امام علی علیه السلام دعوت مختار را پذیرفت و عاملان خود را هم به اطراف گسیل داشت و جزیره، عراق عرب و عراق عجم را تا حدود ارمنیه به حوزه نفوذ درآورد. در این رخداد مهم که در نهایت به قتل مختار توسط زیبریان انجامید (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ۲۵۹ به بعد؛ دینوری، ۱۳۸۴: ۳۵۱)، علاوه بر درگیری با هواداران و کارگزاران اموی، سرانجام فرزند امیرالمؤمنین را مهدی موعود خطاب کردند و برای او چنین مقامی را قائل شدند (نوبختی، ۱۳۵۵ ق: ۲۲-۲۳). پس از وفات او عده ای گفتند که محمد بن حنفیه نمرده و نزد وی دو چشمه جوشان از آب و عسل است و در کوه رضوی حاشیه مدینه سکونت دارد و هر موقع خداوند صلاح بداند ظهور می کند و عدالت را خواهد گستراند (شهرستانی، بی تا: ج ۱، ۱۵۰). بدین ترتیب، چنین تبلیغاتی در فضای ملتهب جامعه عصر امویان می توانست وحدت بخش شیعیان در مقابله با قاتلین اهل بیت علیهم السلام باشد. پس از این حادثه تعدادی دیگر بسان «بیانیه» پیروان بیان بن سمعان تمیمی، «جناحیه» یاران عبدالله بن معاویه مشهور به ذوالجناحین، «حریه» طرفدار عبدالله بن

۱. ر.ک: نصرت اله آیتی (۱۳۹۰ ش)، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، قم، آینده روشن.

عمرو بن حرب و «مغیریه» پیروان مغیره بن سعید که معتقد بود که باید در انتظار محمد بن عبدالله بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام باشند زیرا جبرئیل و میکائیل میانه رکن و مقام با او بیعت نمودند و زان پس، محمد هفده مرد را که مرده بودند زندگی بخشید و هر کدام را حرفی از اسم اعظم آموخت؛ اینان جهان را در اختیار می گیرند و بر لشکرها غلبه می یابند (اشعری، ۱۳۶۲: ۱۳-۱۴). «جارودیه» هم که گروهی از زیدیه هستند در مسئله مهدی قائم به سه دسته تقسیم می شوند: ۱. گروهی که محمد بن عبدالله بن حسن را منجی پندارند؛ ۲. عده ای که محمد بن قاسم حاکم طالقان را زنده جاوید قلمداد کردند؛ ۳. شاخه ای دیگر که یحیی بن عمر صاحب کوفه را مهدی موعود دانستند (اشعری، ۱۳۶۲: ۴۱). سپس محمد بن عبدالله (نفس زکیه) در مدینه به همراه برادر خویش ابراهیم در بصره، پس از این که تحت عنوان «مهدی» در «ابواء» در سال ۱۲۶ق، با مردم و بزرگان بیعت کرد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ۲۲؛ اصفهانی، بی تا: ۱۸۵)، در سال ۱۴۵ق بر علیه منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) به پا خاست و مدتی بعد توسط وی سرکوب گردید. اشخاصی هم در دوران امامت امام جعفر صادق علیه السلام اسماعیل بن جعفر فرزند ایشان را جانشین و مهدی موعود در نظر گرفتند که به «اسماعیلیه خالصه» شهرت یافتند (اشعری، ۱۳۶۱: ۸۰). و یا اسحاق ترک از داعیان ابومسلم خراسانی پس از آن که وی به فرمان منصور عباسی به قتل آمد جنبش اسحاقیه را در سال ۱۳۷ق آغاز نمود و مدعی مهدویت سردار خراسانی شد و گفت که او فرستاده زرتشت بوده و در آخر زمان از ری ظهور خواهد کرد (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۴۰۸). و یا عبیداله المهدی پیشوای حکومت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) نسب خود را به حضرت فاطمه علیها السلام رساند و با نادرست خواندن انتظار ظهور اسماعیل (و پسرش محمد) (مادلونگ، ۱۳۸۱: ۱۵۳) مدعی مهدویت و سرنگونی عباسیان شد. داعیان وی مانند؛ ابو عبدالله شیعی، دعوات ابن حوشب^۱ (لوئیس، ۱۳۶۲: ۱۲۰) یعنی حلوانی و سفیانی از مدت ها قبل در شمال آفریقا، یمن و شامات زمینه حضور عبیداله را با عنوان «مهدی» فراهم کرده بودند و به خوبی تبلیغ می کردند تا به این بهانه پیروان بسیاری را گردآوری کنند و در هر نقطه ای از سرزمین های اسلامی که شرایط فراهم باشد ظهور خویش را به همگان اعلام نماید. از این رو، به مردم نوید دادند که ظهور مهدی نزدیک است و عدل و داد برقرار می شود. هنگامی که او در قالب خلیفه پس از تسلط بر مناطقی از شمال آفریقا و کنار گذاشتن دولت هایی بسان بنی رستم و و احداث شهر مهدیه در تونس (۳۰۸ق) ظاهر شد

۱. ابن حوشب به مردم یمن وعده داده بود که مهدی موعود از سرزمین یمن ظهور خواهد کرد.

(دفتری، ۱۳۷۶: ۱۸۱). مقام مقدسی یافت و همین امر سبب گردید تا دولت قدرتمندی شکل دهد که چند قرن باقی بماند و به دشمن اصلی خلافت عباسی و حکومت‌های تابع آن همچون؛ غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان تبدیل شود. محمد بن علی بن ابی‌العزّاق معروف به شلمغانی هم که از محدثان و فقهای شیعه و یاران امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می‌رفت و آثار متعددی را در آن دوره نوشته بود، در زمان غیبت صغری به علت حسادت با حسین بن روح نماینده حضرت مهدی علیه السلام مذهب امامیه را ترک گفت و با حيله ادعای نیابت و نمایندگی ایشان را کرد و بدین صورت، مردم را فریب داد و انحراف جست و سپس مدعی حلول خداوند و تناسخ در جسم وی گردید (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۹-۲۹۴). سرانجام حضرت مهدی علیه السلام از طریق حسین بن روح توقیعی را درباره ادعای شلمغانی ارسال کرد و در نکوهش وی چنین فرمود:

... محمد بن علی، معروف به شلمغانی، از کسانی است که خداوند کیفر او را تعجیل کند و مهلتی به او عطا نفرماید. او از اسلام منحرف شده و خود را از آن جدا ساخته است. وی از دین خدا مرتد شده و ادعاهایی می‌کند که دلالت بر انکار ذات خداوند متعال دارد. دروغ‌پردازی و دروغ‌گویی می‌کند. باطل‌ها را بر زبان می‌آورد و متخلف بزرگی است. آنان که به خدا نسبتی باطل می‌دهند در خطای محض بوده و مسلماً در خسارند. درحقیقت برائت خود را در محضر خداوند متعال و پیامبر و خاندان گرامیش صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین (از هر گونه رابطه‌ای با شلمغانی) اعلام می‌داریم. به او لعن می‌فرستیم، و لعنت دائم خداوند بر او باد، در آشکار و نهان، در هر زمان و مکان. و (لعنت خداوندی) بر موافقان و پیروان او باد، و نیز بر آنان که با شنیدن این اعلام پیوند خود را با او ادامه دهند. بنابراین به اطلاع آنان (وکلای امامیه) برسان که خود را از او حفاظت کرده و احتیاط می‌کنیم، آن چنان که در برابر پیشینیان او همچون شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و دیگران چنین کردیم و دیدگاه مشابهی داشتیم. راضی به سنن الهی هستیم. خداوند ما را در تمام امور کفایت می‌کند و بهترین نگهبان است (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۵).

و بدین شکل، با این نامه مورد نفرت شیعیان و یارانش واقع شد و در نهایت، توسط عباسیان دستگیر و در سال ۳۲۳ ق اعدام گردید (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۸، ۲۹۰). محمد بن عبدالله بن تومرت ملقب به المهدی در نیمه اول قرن ششم هجری قمری در میان قبایل بربر مغرب جنبشی را بر علیه مرابطون (۴۷۹-۵۴۳ق) ترتیب داد که بر پایه‌ی مهدوی‌گری و امر به معروف و نهی از منکر در تقابل با فساد و اوضاع نابه‌هنجار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

حاکمان مرابطون استوار بود. هدف وی از چنین ادعایی اتحاد میان قبایل بربر مضموده به رهبری خویش و تقویت توان نظامی بود تا بتواند این حکومت را از میان بر دارد. بنابراین به مهدی موحدون معروف گشت. او در جوانی به ممالک اسلامی تحت نظارت خلفای عباسی مانند عراق رفت (السلوی، ۱۳۱۲ق: ج ۲، ۷۱). پس آن که در علوم دینی و فقهی تحصیل کرد به شمال آفریقا بازگشت و تصمیم گرفت تا فساد را در مناطق تحت سلطه مرابطون ریشه کن نماید. سپس ادعا کرد که به اذن خداوند معصوم است تا ازگزند حکام و مردم در امان باشد (البیذق، ۱۹۷۱م: ۱۲؛ المراکشی، ۱۹۹۰م: ۹۱).

و نیز در اثبات مهدویت خود شش مشخصه را یعنی؛ زمان،^۱ مکان،^۲ حسب،^۳ نسب،^۴ قول^۵ و فعل^۶ (ابن تومرت، ۱۹۸۵م: ۲۵۴) را بدون در نظر گرفتن علم که از شروط اصلی است بیان نمود. لازم به ذکر است که وی علوم دینی را در آغاز نزد استادان اندلسی و زان پس، در عراق و مناطق مختلف نزد استادانی مانند، ابوبکر شاشی، علی المبارک بن عبدالجبار و ابوحامد غزالی آموخت (ابن الخطیب، ۱۹۶۴م: ۲۶۶؛ قلقشندی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۳۲). ولی ائمه شیعه دانش و علوم پر بار خویش را از پیامبر بزرگوار اسلام که برگرفته از وحی است به ارث برده بودند که روندی کاملاً متفاوت است و اکتسابی نیست. پس باید مهدویت ابن تومرت را همچون سایر افرادی که ذکر شد در راستای اهداف سیاسی و سودای قدرت دانست تا بدین طریق، بتوانند با جمع‌آوری پیروان وافر و معتقد و نیز ایجاد وحدت جنبشی را هدایت کنند تا به خواسته و آرمان خود برسند. البته اینها تنها چند مورد بود که بررسی شد ولیکن مدعیان مهدویت و یا نایب ایشان بسیار هستند که پرداختن به کلیه آنها در حوصله این مقاله نیست. بنابراین به همین موارد جهت آشنایی خوانندگان اکتفا می‌شود.

مهدویت، عدالت و ظلم‌ستیزی

مهم‌ترین رسالت مهدویت مبارزه با ظلم و استکبار است و این موضوع محدود به زمان و مکان خاصی نیست. در واقع، چنین آرمانی جهانی است و تنها به مسلمانان اختصاص ندارد.

۱. زمان = آخر زمان.

۲. مکان = محل قیام.

۳. حسب = حزب موحدان.

۴. نسب = از نسل فاطمه بودن.

۵. قول = وعده قیام بر علیه ظالمان.

۶. فعل = اوست که مشرق و مغرب عالم را تسخیر خواهد کرد.

پس هر قوم و یا ملتی تحت ستم قرار گیرند نباید سکوت کنند و بایستی با الگوبرداری از تفکر مهدویت خود را از چنگال مستکبران رها سازند. مهدی گرایی نشانه اتحاد در سایه رهبری عالم و فرزانه است که با درایت خویش مردم را به راه راست هدایت می نماید و به آنان یاد می دهد تا احقاق حق کنند. از سویی، سیره حکومت مهدوی همان سیره و روش پیامبر بزرگوار اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت و ادامه ی مسیر آنهاست که مردم را با عشق و محبت جذب می کند. یکی از اهداف و وظایف امام به عنوان رهبر جامعه برقراری عدالت میان امت اسلامی مطابق با قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام ﷺ است. درآیات متعدد به این موضوع اشاره شده است. مثلاً ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید: ۲۵)؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، تا معلوم شود چه کسی خدا و رسلش را با ایمان قلبی یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی نیاز) است.

در روایات هم امامان شیعه به عدالت تأکید ویژه ای داشته اند. مثلاً، امام رضا علیه السلام می فرماید:

يَعْيِيهِ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۶)؛

خداوند وی را تا زمانی که بخواهد پنهان می نماید؛ سپس او را به اذن خود هویدا می کند تا زمین را پر از عدل و داد کرده چنانچه پر از جور و ستم شده است. و نیز بیت - المال را از دست زورگویان و منفعت طلبان با قدرت خارج نموده و با رعایت مساوات میان همگان تقسیم خواهد کرد تا رضایت مردم فراهم می شود.

در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَةِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷)؛

زمانی که قائم اهل بیت علیه السلام به پا خیزد (بیت المال) را به طور مساوی بین رعیت قسمت کرده و در میان آنان با عدالت رفتار می کند.

بنابراین با ظهور ایشان عدالت به طور کامل برقرار می شود و همه مردم انتظار دارند تا این امر مهم تحقق یابد. روایاتی بسیاری مانند روایت ذیل به این مهم اشاره دارد.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدَى يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا
كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا
فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ: بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ غِنًى وَ
يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ، حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا ينادى يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا
رَجُلٌ وَاحِدٌ (اربلى، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۴۸۳)؛

شما را به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می‌دهم. زمین را پر از عدل می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است، ساکنان آسمان‌ها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به گونه‌ای درست تقسیم می‌کند. کسی پرسید: معنای تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی میان مردم. سپس فرمود: دل‌های پیروان محمد ﷺ را از بی‌نیازی پر می‌کند. عدالتش همه را فرا می‌گیرد، تا آن‌جا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند هرکس نیاز مالی دارد برخیزد، هیچ‌کس جز یک تن بر نمی‌خیزد.

بدین ترتیب، فراهم آوردن رفاه و آسایش، و ایجاد شرایطی که در آن، آحاد جامعه جهانی، کفاف زندگی داشته و اضطراب و نگرانی، از این ناحیه، احساس نکنند در سرلوحه‌ی برنامه‌های کاری حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد، حضرت با توزیع عادلانه بیت‌المال و درآمدها و نظارت دقیق به دستگاه‌های اقتصادی حکومت، زمینه لازم برای رفاه و آسایش همگانی را فراهم خواهند کرد. و در راه فقرزدایی و تأمین معیشت مردم، جدّیت و تلاش خاصی از سوی مأمورین حکومتی، صورت خواهد گرفت، به گونه‌ای که ساکنان آسمان‌ها و زمین، از شرایط به وجود آمده، راضی و خشنود خواهند شد (آصف عطایی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۳).

مهدویت رمز اتحاد و همگرایی مردم تحت امر رهبری مدبر

هنگامی که تحمل مردمان از ظلم مستبدان به پایان می‌رسد، ظهور رهبری مقتدر و با جذبه می‌تواند آنان را در رسیدن به عدالت اجتماعی هدایت کند. در اصل، وضعیت نابسامان جامعه همچون، جنگ، فقر، کشتار، فتنه‌ها، اسیر شدن مسلمانان، مرگ‌های ناگهانی، جنایات هولناک، هرج و مرج و غیره زمینه‌ساز قیام‌های مردمی است. پس عامل اساسی که باعث می‌شود مردم جرئت مقابله با حکام مستبد را پیدا کنند امید و نگاهی مثبت به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و الگو برداری از قیام ایشان برای رسیدن به عدالت است. پس اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات فکری، مذهبی و سیاسی در راستای دستیابی به هدفی واحد مسئله بسیار

مهمی است که مردم به آن توجه دارند.

در این باره مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در بیانات خویش می‌فرمایند:

... آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه انبیاء، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته براساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. دوران جامعه توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌هاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است. خب، انبیاء برای این آمدند... (۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

همچنین در بخش دیگر از سخنان ایشان آمده است:

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از: عدالت. مثلاً، در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الأمت والعوج، این المرتجى لأزالة الجور والعدوان»؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این نخستین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در وهله نخست، انتظار استقرار عدالت است... حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنفاً، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد (۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

بدین ترتیب، در دین اسلام و فرهنگ اسلامی وجود آموزه‌های همگرا و وحدت‌آفرین که تعداد و نمونه‌های آن فراوان است، رسالت باورمندان به اسلام - بالخصوص عالمان و متفکران -

را برای تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان و جوامع اسلامی دوچندان می‌کند. بر این اساس می‌طلبد که اندیشمندان و فرهیختگان دینی برای فرصت‌سازی در حوزه فرهنگ‌سازی و اتحاد بین مسلمین، از آموزه‌های همگرایی نظیر، اطاعت از فرامین خداوند متعال، قرآن کریم، رسالت و مهدویت و نیز نماز، روزه، حج و سایر موارد مرتبط به درستی بهره‌گیرند. بنابراین میان آموزه‌های همگرا، بدون تردید نقش آموزه‌های مهدویت ویژه است؛ زیرا باور داشت مهدویت فرا مذهبی بوده و مورد قبول همه گروه‌های مذهبی اسلامی است. از این رو، می‌توان با دست‌مایه قرار دادن مهدویت، و با ترویج و اشاعه آن میان مسلمانان، وحدت و صلح را در جوامع اسلامی اجرایی و عملیاتی کرد که ثمره آن سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی یعنی جامعه مهدویت است (الهی‌نژاد و شاه‌رخ، ۱۳۹۷: ۱۵۳). درکل، باید ترویج فرهنگ مهدویت با درایت انجام پذیرد، زیرا تنها چیزی که جامعه اسلامی را از گزند در امان می‌دارد اعتقاد به منجی است و تا ظهور ایشان فقها و نایبان آن حضرت وظیفه دارند تا مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی را در مقابل دشمنان حفظ نمایند و اجازه ندهند تا تفرقه و ناامیدی بین مردم شکل بگیرد زیرا این آفتی است که وحدت را به خطر می‌اندازد و باعث انحطاط جوامع اسلامی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با بررسی موضوع فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که، مهدویت در طی قرون متمادی تفکری ظلم ستیز و عدالت محور بوده است و همین امر سبب گردید تا اشخاصی با این ادعا که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه هستند درصدد سرنگونی و نابودی فرمانروایان معاصر خویش همت گمارند. البته با وجود شکست به خاطر مسائل مختلف از جمله؛ عدم آشنایی با فنون نظامی، خیانت نظامیان، عدم پشتیبانی مناسب توسط مردم و امثال اینها، اما با این حال، فرهنگ مهدویت فراموش نشد و ادامه پیدا کرد، زیرا اعتقاد به ظهور رمز اتحاد و همبستگی میان مسلمانان به شمار می‌رود و نیز به تقویت ارزش‌های معنوی و دینی و شکل‌گیری حکومت مردمی کمک می‌کند و باعث می‌شود تا بیگانگان و منفعت‌طلبان بر جامعه اسلامی تسلط پیدا نکنند.

از طرفی هم، باور مردمان به مهدویت و فلسفه فرج، ممالک اسلامی را در مقابل دشمنان داخلی و خارجی حراست می‌نماید و هراس را به دل آنان می‌اندازد و حتی به حاکمان می‌فهماند که اگر خطا کنند به یقین از جنبش‌های مردمی در امان نخواهند بود زیرا اندیشه

مهدویت بر از بین رفتن ستم تکیه دارد و الهام بخش امت اسلامی است. درکل، ایجاد روابط صلح‌آمیز که از دیگر اهداف حکومت اسلامی است با باور به مهدویت حاصل می‌شود. بدین ترتیب، اعتقاد و بینش مشترک افراد معتقد به اندیشه‌ای مانند مهدویت، موجب وحدت و انسجام اجتماعی می‌گردد و تشنت و اختلاف را از میان بر می‌دارد و منجر به یکپارچگی می‌شود و سعادت و امید را برای همگان را به همراه خواهد داشت. پس باید با اقدامات مناسب فرهنگی و اجتماعی چنین تفکر مهمی را بیشتر از گذشته اشاعه داد و درست هدایت کرد تا گروه‌های تکفیری، صهیونیستی و مخالفان اسلام نتوانند به مقابله با مسلمانان برخیزند و کاملاً منزوی شوند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
۳. ابن تومرت، محمد (۱۹۸۵م)، *اعزما بطلب*، تحقیق: عمار الطالبی، الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
۴. ابن خطیب، لسان‌الدین (۱۹۶۴م)، *اعمال‌الاعلام*، تحقیق: احمد مختار العبادی، دارالبیضاء: دارالکتب.
۵. ابن ندیم، ابوالفرج (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق: ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵ق)، *کشف‌الغمة فی معرفه‌الائمة*، بیروت: دارالاضواء.
۷. اشعری، ابوالحسن علی (۱۳۶۲)، *مقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین*، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.
۸. اشعری، سعدبن عبدالله (۱۳۶۱)، *المقالات و الفرق*، تحقیق: محمدجواد مشکور، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. اصفهانی، ابوالفرج علی (بی‌تا)، *مقاتل‌الطالبین*، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. امامی کاشانی و دیگران (۱۳۸۵)، *گفتمان مهدویت (سخنرانی و مقاله‌های گفتمان چهارم)*، قم: بوستان کتاب، چهارم.
۱۱. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۳)، «معرفت‌شناسی مهدویت پژوهی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال

- هشتم، شماره ۲۹.
۱۲. الهی نژاد، حسین؛ شاهرخی، حامد (۱۳۹۷)، «نقش مهدویت در وحدت و همگرایی جهان اسلام»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۱۳. آموزگار، ژاله (۱۳۸۷)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت، دهم.
۱۴. بهبهانی، امید (۱۳۸۴)، *در شناخت آیین مانی*، تهران: بندهش.
۱۵. البیذق، ابی بکر بن علی الصنهاجی (۱۹۷۱م)، *اخبار المهدی ابن تومرت*، الرباط: دارالمنصور للطباعة والوراقه.
۱۶. پوردادود، ابراهیم (۱۳۷۴)، *سوشیانس*، تهران: فروهر.
۱۷. حبیبی نژاد، رضا؛ حیاتی، فاطمه (۱۳۹۵)، «انتظار ظهور منجی آخرالزمان در ادیان الهی (زرتشت، یهود، مسیحیت)»، *فصل نامه پارسه*، سال شانزدهم، شماره ۲۷.
۱۸. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>
۱۹. دفتری، فرهاد (۱۳۷۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، دوم.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه (ذیل مهدویت)*، زیر نظر: محمد معین، تهران: روزنه.
۲۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۱)، «فلسفه فرج، فلسفه جهان برتر»، *کتاب نقد*، شماره ۲۴ و ۲۵.
۲۲. السلاوی، احمد بن خالد (۱۳۱۲ق)، *الاستقصاء الاخبار دول المغرب الاقصى*، قاهره: المطبعة البهیة المصریه.
۲۳. شهرستانی، ابوالفتح محمد (بی تا)، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سیدگیلانی، بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف اله (۱۳۸۷)، *اصالت مهدویت*، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت اله العظمی صافی گلپایگانی، دوم.
۲۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، دوم.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷)، *الغیبه*، ترجمه: مجتبی عزیزی، قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۷. عطایی، محمد آصف (۱۳۸۲)، «عدالت اجتماعی در عصر ظهور»، *نشریه پاسدار اسلام*، شماره ۲۶۳.

۲۸. قلقشندی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *صبح الاعشی*، شرح: نبیل خالد الخطیب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. کریستنسن، آرتور (۱۳۷۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *الکافی*، تحقیق: محمدجواد فقیه، بیروت: دارالاضواء.
۳۱. لوئیس، برنارد (۱۳۶۲)، *تاریخ اسماعیلیان*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۳۲. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۱)، *فرقه‌های اسلامی*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر، دوم.
۳۳. المراکشی، ابن القطان (۱۹۹۰م)، *نظم الجمان*، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۳۵. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵ق)، *فرق الشیعه*، نجف: مکتبه المرتضویه.
۳۶. یعقوبی، احمد (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.